

بررسی تاثیر نظارت خارجی بر رابطه بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب

قدرت‌اله برزگر*، جمیل ابراهیمی**

چکیده

پژوهش‌های بسیاری در حوزه حسابداری، اثر متغیرهای پولی بر سایر متغیرهای داخلی شرکت را مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر به متغیرهای غیر پولی همچون فرهنگ، اخلاق، باورها و مذہب پرداخته شده است؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی بر احتمال انجام تقلب و همچنین تاثیر نظارت خارجی بر ارتباط آنها است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی، همبستگی و پس‌رویدادی است که ۱۴۴ شرکت از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ (۱۰ سال) با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی و احتمال انجام تقلب رابطه منفی و معناداری وجود دارد ولی نظارت خارجی بر این ارتباط تاثیری ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که در مکان‌های با سرمایه اجتماعی بالا احتمال انجام تقلب توسط شرکت‌ها کمتر است و سرمایه‌گذاران، دولت و حساب‌رسان می‌توانند از این نتایج برای اهداف ویژه خود استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، احتمال تقلب، نظارت خارجی، حاکمیت شرکتی

مقدمه

کارایی مدیران در قبال استفاده از منابعی که شرکت در اختیار دارد در اطلاعاتی خودنمایی می‌کند که مدیران آنها را در قالب صورت‌های مالی منتشر می‌کنند (رضازاده و محمدی، ۱۳۹۸) و از طرفی دیگر تقلب عاملی مخرب برای افزایش کارایی بازار سرمایه محسوب می‌شود (کارشناسان و همکاران، ۱۳۹۷). از سوی دیگر نیز از مدیران شرکت‌ها انتظار می‌رود که گزارش‌های مالی را به گونه‌ای شفاف و صادقانه گزارش کنند. اما در حقیقت مدیران اغلب به وسیله دستکاری اقلام تعهدی (هیلی و والن^۱، ۱۹۹۹)، یا تغییرات در تصمیمات سرمایه‌گذاری (رایچادوری^۲، ۲۰۰۶)، یا اینکه ایجاد ابهام در اطلاعات مالی سالیانه سود شرکت را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی آن گزارش می‌کنند به گونه‌ای که گاهی اوقات پا را فراتر نهاده و وارد تقلب می‌شوند. این اقدامات منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران شده و هزینه‌های زیادی را برای سهامداران ایجاد می‌کند (بیتی و همکاران^۳، ۲۰۱۰).

مفهوم سرمایه اجتماعی بر این عقیده است که انسان‌ها منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند، اما میزان منفعت طلبی در بین انسان‌های مختلف و مکان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. افراد ساکن در یک ناحیه با سرمایه اجتماعی بالا دارای درجه بالایی از نوع دوستی بوده یا اینکه نگرشی جامعه‌محور دارند و یا اینکه به تعهدات احترام گذاشته و اعتماد بنفس بالاتری دارند (گیسو و همکاران^۴، ۲۰۰۴ الف). این نواحی همچنین دارای شبکه‌های ارتباطی وسیع‌تری هستند، یا به عبارتی دیگر سرانه تعداد سازمان‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی بالاتر است.

تعداد زیادی از مطالعات مختلف نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی یک ناحیه جغرافیایی می‌تواند بر تصمیمات شخصی افراد جامعه اثر گذاشته و منجر به پدید آمدن پیامدهای اقتصادی برای آنها شود (گیسو و همکاران، ۲۰۰۴ ب؛ ها^۵، ۲۰۱۹). اغلب اوقات، سرمایه اجتماعی منجر به کاهش هزینه‌های معاملات می‌شود. برای مثال، در یک ناحیه با سرمایه اجتماعی بالا، حضور شرکت‌ها در بازار سرمایه برای تامین مالی منجر به هزینه‌های کمتری نسبت به دستیابی آنها به وام‌های بانکی می‌شود (گیسو و همکاران، ۲۰۰۴ ب). همچنین این مناطق دارای کارشناسان و کارکنان صادقانه‌تر هستند (لاپورتا و همکاران^۶، ۱۹۹۷) و فعالیت‌های مجرمانه کمتری انجام می‌دهند (بونانو و همکاران^۷، ۲۰۰۹). ها و چن^۸

(۲۰۱۵) در مطالعه خود دریافتند که حسابرسان اعتماد کمتری به شرکت‌های فعال در محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی پایین دارند و خود را بیمه می‌کنند. موضوع مشترکی که مطالعات حوزه سرمایه اجتماعی به آن اشاره می‌کنند این است که مناطق دارای سرمایه اجتماعی بالا، دارای هنجارهای نوع دوستانه بیشتر و مجموعه‌ای از ارتباطات بوده که رفتارهای صادقانه را ترغیب می‌کنند که هر دو باعث کاهش هزینه معاملات می‌شوند.

در این پژوهش نیز از مطالعات گذشته تبعیت شده و استدلال می‌شود که سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارش‌های مالی اثر می‌گذارد و احتمال انجام تقلب که به معنای کاهش کیفیت در گزارشگری مالی است را کاهش می‌دهد. در این پژوهش استدلال می‌شود شرکتی که در ناحیه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا فعالیت می‌کند، گزارش‌های مالی با کیفیت بیشتری را ارائه داده و احتمال انجام تقلب در اطلاعات مالی آنها کمتر است. همچنین همانند مطالعات قبلی انجام شده استدلال می‌شود که رفتارهای اجتماعی محل فعالیت شرکت بر رفتارهای سازمانی این شرکت‌ها اثر می‌گذارد.

علاوه بر تاثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر ادبیات گزارشگری مالی، این پژوهش توسعه دهنده پژوهش‌ها و چن (۲۰۱۵) و مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۷) است که نشان دادند شرکت‌های با سرمایه اجتماعی پایین هزینه‌های بیشتری به حسابرسان مستقل می‌پردازند. استدلال اصلی آنها این بود که حسابرسان به مشتریان خود که در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین فعالیت می‌کنند، اعتماد کمتری داشته و بنابراین خود را بیمه می‌کنند. از آنجا که آنها در مطالعه خود تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارش‌های مالی را مورد بررسی قرار ندادند، مطالعه آنها به گونه‌ای شفاف بیان نمی‌کند که این عدم اعتماد حسابرسان به دلیل تعصب آنها به محل فعالیت مشتریان است یا به دلیل احتیاط آنهاست. مطالعات دیگری نیز در حوزه حسابرسی همچون ممشلی و کارشناسان (۱۳۹۸) کیفیت حسابرسی را عاملی برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش تقلب بیان کرده‌اند که این پژوهش می‌تواند با بررسی یک عامل دیگر که سرمایه اجتماعی است و متغیری غیرپولی محسوب می‌شود به مورد توجه واقع شدن این عامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی کمک کند.

این پژوهش تعدادی دیگر از مطالعات را نیز کامل می‌کند. سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند که اعتقادات و سطح دینداری مدیران شرکت در میزان انجام مدیریت سود آنان تاثیر می‌گذارد یا کالن و فنگگ^۹ (۲۰۱۲) استدلال کردند که شرکت‌های

مناطق مذهبی اخبار بد را کمتر پنهان می‌کنند. آنها نشان دادند که شرکت‌هایی که در مناطق مذهبی فعالیت می‌کنند ریسک سقوط سهام پایین‌تری دارند. همانند یافته‌های سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) و لی و وانگ^{۱۰} (۲۰۱۵)، این پژوهش به طور غیرمستقیم نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی ممکن است بر پنهان‌سازی اخبار بد تاثیرگذار بوده و در نتیجه بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر بگذارد.

به طور کلی، این پژوهش پیامدهایی را بیان می‌کند که فراتر از تاثیر سرمایه اجتماعی بر احتمال تقلب در گزارش‌های مالی است. این پژوهش می‌تواند پژوهش حسن و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۷) که نشان دادند بانک‌ها وام‌هایی با نرخ بهره پایین‌تر را به شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا می‌دهند کامل‌تر کند. این پژوهش همچنین مطالعه کیم و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۲) را نیز که استدلال کردند مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ممکن است رابطه‌ای مثبت یا منفی با کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد - اما به رابطه‌ای منفی دست یافتند. این پژوهش همزمان با مطالعه ها و کخ^{۱۳} (۲۰۱۵) می‌تواند نشان دهد که منشأ تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر گزارشگری مالی، سرمایه اجتماعی منطقه‌ای است که شرکت در آن فعالیت می‌کند.

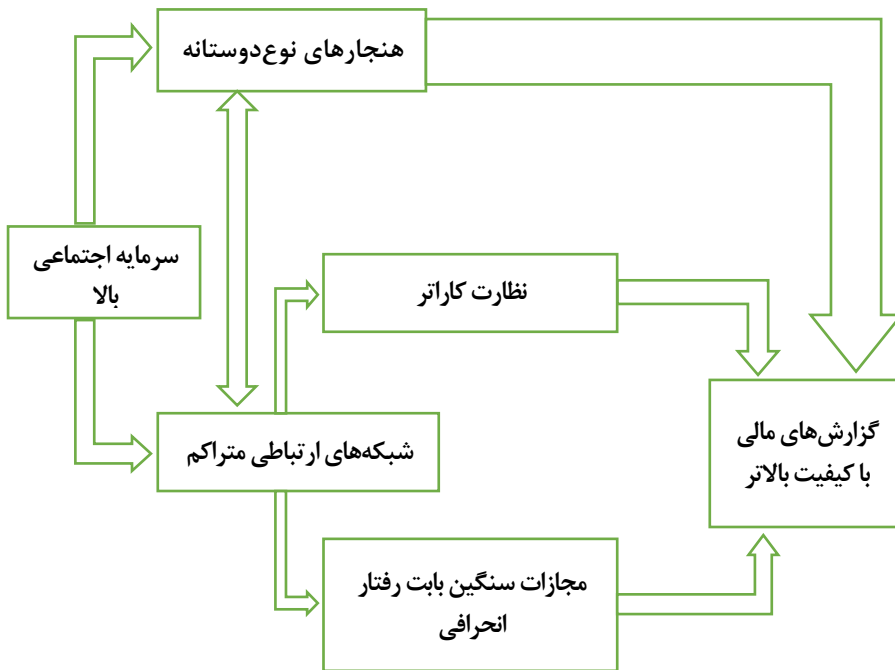
ساختار تحقیق انجام شده در ادامه بدین شکل است: در بخش دوم مبانی نظری و ادبیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه‌ها تدوین می‌شوند. در بخش سوم روش‌شناسی و مدل‌های تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرند که دربرگیرنده روش و نوع تحقیق، بازه زمانی و جامعه و نمونه تحقیق و تعریف متغیرها می‌باشد. در بخش چهارم نیز یافته‌های تحقیق در قالب نتایج توصیفی و استنباطی ارائه شده و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری، پیشنهادات و محدودیت‌های تحقیق بحث می‌شود.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی

در این بخش فرض شده است که مدیران شرکت‌هایی که در مکان‌های با سرمایه اجتماعی بالا فعالیت دارند، دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند. استدلال بر این است که دو راه برای اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد: هنجارهای نوع‌دوستانه، و شبکه‌های ارتباطی متراکم. این موضوع در شکل ۱ نشان داده شده است.

مدیران شرکت‌های فعال در نواحی با سرمایه اجتماعی بالا، احتمالاً دارای هنجارهای مشابهی هستند، زیرا هنجارهای اجتماعی مکان فعالیت شرکت و خود شرکت مشابه هستند. به عبارتی دیگر، این مدیران به میزان کمتری خودخواه بوده، تعهدات خود را به صورت جدی دنبال می‌کنند، و زمانی که از ایده‌آل‌های خود فاصله بگیرند با هزینه‌های درونی بیشتری مواجه می‌شوند (ها، ۲۰۱۹). این هنجارها به احتمال زیاد رفتارهای فرصت‌طلبانه را محدود کرده و بنابراین احتمال گزارشگری مالی گمراه‌کننده را کاهش می‌دهد. این موضوع که ارزش‌های ناشی از هنجارهای اجتماعی بر تصمیمات شخصی اثر می‌گذارند جدید نیست (سن^{۱۴}، ۱۹۸۷). بیش از ۲۰۰۰ سال قبل، ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس خود اذعان کرده است که افراد در جوامع متمدن، اخلاق را در تصمیمات خود دخالت می‌دهند (ارسطو^{۱۵}، ۲۰۰۴). کارلان^{۱۶} (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان داد که برخی از مردم بسیار قابل اعتمادتر از سایرین هستند، و قابل اعتماد بودن شخص با رفتار خوب وی در ارتباط است، مانند نرخ پیش فرض پایین‌تر برای بازپرداخت وام.



شکل ۱. منطق چگونگی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارش‌های مالی (ها، ۲۰۱۹).

یک شبکه ارتباطی بسیار متراکم یک عامل کلیدی برای سرمایه اجتماعی بالا می‌باشد که رفتار خوب را تشویق می‌کند. از سه طریق شبکه‌های ارتباطی می‌توانند منجر به گزارش‌های مالی با کیفیت بالا شوند. اول اینکه، شبکه ارتباطی وسیع به معنای این است که افراد با یکدیگر بیشتر ارتباط برقرار می‌کنند. این ارتباط متقابل بدین معنی است که ذینفعان، مانند سهامداران نهادی، بانک‌داران، و مدیران، علاقه زیادی دارند تا به صورت منظم با یکدیگر ارتباط داشته باشند. تعامل و ارتباط پی در پی بین این طرفین منجر به تبادل اطلاعات بیشتر با همدیگر می‌شود و این اطلاعات بسیار قابل اتکاتر است. کیفیت و کمیت بالاتر اطلاعات مبادله شده در بین ذینفعان منجر به نظارت کاراتر می‌شود (وو^{۱۷}، ۲۰۰۸). دوم اینکه، زمانی که تراکم ارتباطی بالاست، همکاری مدیران با جامعه بیشتر شده و بنابراین هزینه‌های بیشتری بابت رفتارهای غیراخلاقی متحمل می‌شوند (اسپاگنولو^{۱۸}، ۱۹۹۹) و هرگونه موارد نظارتی از جانب ذینفعان را جدی‌تر می‌گیرند. سوم اینکه، یک شبکه ارتباطی متراکم در طول زمان منجر به پدید آمدن هنجارهای همکاری بین افراد شده و برخی از این هنجارها مدیران را به رفتارهای صادقانه تشویق می‌کنند (پاتنام^{۱۹}، ۲۰۰۱). بنابراین پشیمانی از رفتارهای انحرافی بیشتر است، زیرا استانداردهای مربوط به رفتارهای صادقانه دارای درجات بالاتری هستند.

اما از طرفی دیگر می‌توان استدلال دیگری نیز داشت؛ اینکه آیا سرمایه اجتماعی محل فعالیت شرکت می‌تواند منجر به گزارش‌های مالی با کیفیت پایین شود یا خیر؟ می‌توان اینگونه استدلال کرد که در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا، به دلیل اینکه انتظار نمی‌رود رفتارهای غیراخلاقی رخ دهد، نظارت احتمالاً پایین بوده و این فرصت برای مدیران پدید می‌آید تا رفتارهای باب میل خود را داشته باشند. اما این احتمال بعید است چراکه این استدلال فرض می‌کند که یک بازی یک به یک بین ناظر و شرکت وجود دارد. در حقیقت، بازی بین چند طرف با تکرارهای زیاد وجود دارد. مثلاً اگر مدیران مناطق خاصی برای بار اول سوءرفتار داشته باشند، دیگران برای دفعات بعدی به آنها اعتماد نخواهند کرد. بنابراین در شرایط عادی، وضعیتی با اعتماد بالا و سوءرفتار بالا وجود نخواهد داشت.

با توجه به موارد بیان شده در فوق، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شود:
فرضیه ۱. سرمایه اجتماعی با احتمال تقلب در گزارش‌های مالی رابطه منفی و معناداری دارد.

نظارت خارجی و احتمال تقلب

در اغلب موارد ادعا می‌شود که حاکمیت شرکتی خوب به دلیل نظارت منجر به عملکرد بهتر در شرکت می‌شود (والس و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۲). حاکمیت شرکتی فرآیندی سازمان یافته است که از طریق آن اهداف شرکت تعریف شده و تلاش برای این اهداف و نظارت بر آن را تعیین می‌کند (ملیس^{۲۱}، ۲۰۱۴). حاکمیت شرکتی به عنوان یک مفهوم علمی شامل مجموعه‌ای از نقش‌ها و مسئولیت‌ها، کانال‌های ارتباطی و رفتارهاست که در بین سهامداران، هیئت مدیره (موظف و غیرموظف) و مدیر عامل شرکت برقرار است (هندری^{۲۲}، ۲۰۰۱). عملکرد شرکت نیز به عنوان نتایج مالی و غیرمالی تعریف می‌شود که از فعالیت‌های واحد تجاری حاصل می‌شود (کلیجین و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۳).

تئوری‌های مختلفی وجود دارند که به مبحث حاکمیت شرکتی از بعد علمی آن توجه کرده‌اند. بسیاری از پژوهش‌های انجام شده برای این منظور به تئوری نمایندگی اشاره می‌کنند اما تئوری مباشرت و تئوری ذینفعان به صورت فزاینده‌ای در توضیح ارتباط بین بازیگران مختلف در شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرند (ملیس، ۲۰۱۴). تئوری نمایندگی فرض می‌کند که تضادهای منافع بالقوه‌ای بین بازیگران مختلف در یک شرکت وجود دارد. اگر یک مالک (مانند سهامدار شرکت) نماینده‌ای (مانند مدیریت شرکت) را برای راهبری شرکت استخدام نماید، مشکلات نمایندگی به وجود می‌آید (جنسن و مک‌لینگ^{۲۴}، ۱۹۷۶). مدیران و سهامداران به صورت بالقوه تضادهای منافع دارند. بنابراین، مکانیزم حاکمیت شرکتی همچون فرآیندهای نظارتی، انگیزه‌ها، تنبیهات، جهت همسویی منافع نماینده و مالکان ضروری می‌باشد. نمونه بارز چنین حالتی، حق رای سهامداران در مجمع عمومی صاحبان سهام است. از طرفی دیگر، تئوری ذینفعان بر این باور است که عملکرد خوب شرکت‌ها به همکاری و ارتباط بازیگران مختلفی مرتبط است. این ذینفعان، شامل سهامداران، بانک‌ها، کارکنان شرکت، جامعه و سایر افراد می‌باشد که همگی منفعی در شرکت داشته بر اساس اطلاعاتی که از شرکت دریافت می‌کنند می‌توانند در آن دخالت کنند. این مسئولیت مدیران است که منافع همه این ذینفعان را در حداکثرترین حالت خود قرار دهد (فریمن^{۲۵}، ۱۹۸۴). در عین حال، تمامی ذینفعان سعی دارند تا با تاثیرگذاری بر مدیریت، منافع، اهداف و انتظارات خود را به مدیریت دیکته کنند. بنابراین، فرآیند حاکمیت شرکتی مورد نیاز است تا این اطمینان حاصل شود که صدای ذینفعان مختلف

شنیده شده و اطلاعات درباره شرکت به گونه‌ای صادقانه در بین کلیه ذینفعان توزیع شود. با وجود اینکه هم تئوری نمایندگی و تئوری ذینفعان بیان‌کننده تفاوت و تضاد بین ذینفعان مختلف را ارائه می‌کنند، تئوری مباشرت این فرض را بیان می‌کند که مدیریت و سهامداران دارای منافع بلندمدتی هستند که در یک راستا قرار دارند و این اهداف جمعی منجر به تامین منافع شخصی نیز می‌شود (هرناندز^{۲۶}، ۲۰۱۲). مباشران بر عکس نمایندگان در تئوری نمایندگی، منافع خود را همراستا با منافع شرکت و سهامداران آن می‌دانند. علاوه بر این، مدیران به عنوان مباشران دارای بهترین موقعیت هستند تا منافع ذینفعان، شامل سهامداران را به حداکثر برسانند؛ زیرا آنها بیشترین آگاهی را از فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف شرکت دارند (دیویس و همکاران^{۲۷}، ۱۹۹۷). فرآیندهای حاکمیت شرکتی در این تئوری تضمین‌کننده انتخاب و بکارگیری مدیرانی باصلاحیت و قابل اطمینان بوده و همچنین همه طرفین را به کار با همدیگر برای هدفی مشترک ترغیب می‌کند بدون اینکه این افراد از وجود همدیگر سوءاستفاده کنند.

از طرفی دیگر اگر سرمایه اجتماعی برای سرمایه‌گذاران ارزش به ارمغان بیاورد، مزایای آن باید برای یک شرکت با حاکمیت شرکتی ضعیف و یا نظارت پایین که در آن هزینه نمایندگی بالاست، بیشتر باشد. مدیریت یک شرکت با حاکمیت شرکتی ضعیف، بسیار بیشتر مستعد انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌باشد. داوودورج^{۲۸} (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیف است، سرمایه اجتماعی نقش موثرتری را ایفا می‌کند.

مالیات از جمله مواردی است که بسیار مورد توجه انواع ذینفعان قرار می‌گیرد. سهامداران شرکت علاقه دارند که مالیات کمتری از طرف شرکت پرداخت شود تا به این صورت سود بیشتری عاید آنها شود. اما جامعه به عنوان ذینفعی دیگر خواستار این است که شرکت مالیات خود را به طور کامل و به صورت منصفانه پرداخت کند. در این صورت حاکمیت شرکتی می‌تواند نیازهای انواع ذینفعان را رفع کند (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

همچنین وقتی نظارت خوب است، نیاز کمتری به پرداخت سود سهام وجود دارد. برای مثال، در فرضیه هزینه نمایندگی، پرداخت سود سهام یک مکانیسم انضباطی به حساب می‌آید. سودهای کسب شده به وجوهی در دسترس تبدیل شده و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران از این طریق کنترل می‌شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). مطابق با ایستربروک^{۲۹} (۱۹۸۴)، پرداخت سود

سهام به دلیل پایین آوردن هزینه‌های نظارت برای سهامداران تحت رسیدگی‌های بیشتر توسط بازار سرمایه بهینه می‌شود. مطالعات تجربی در حوزه تئوری نمایندگی از این موضوع پشتیبانی می‌کند. سیاست‌های تقسیم سود سهام در کاهش هزینه‌های نمایندگی مربوط به کیفیت قانون تجارت (بروکنن و همکاران^{۳۰}، ۲۰۱۴)، رقابت در بازار تولید (گرالون و میسائیلی^{۳۱}، ۲۰۰۷)، حاکمیت شرکتی (دونتر و وارثر^{۳۲}، ۱۹۹۸)، وجوه مازاد (لی^{۳۳}، ۲۰۰۰)، و تمرکز مالکیت (کرین و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۶) تاثیر می‌گذارد.

با توجه به موارد بیان شده در فوق، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شود:
فرضیه ۲. نظارت خارجی ضعیف رابطه بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب در گزارش‌های مالی را تشدید می‌کند.

پیشینه

با وجود اهمیت‌های پیش گفته در بخش‌های قبل درباره تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی محل فعالیت شرکت بر متغیرهای داخل شرکتی از جمله رفتار مدیران در قبال تصمیمات مختلفی که در شرکت اتخاذ می‌کنند، اما در داخل کشور تعداد بسیار محدودی به این موضوع پرداخته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. در ابتدا موارد مربوط به پیشینه خارجی در ارتباط با موضوع ارائه شده و سپس پیشینه داخلی ارائه می‌شود.

ون و همکاران^{۳۵} (۲۰۲۰) در پژوهشی تاثیر سرمایه اجتماعی را بر کارآمدی سرمایه گذاری شرکت‌های ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند سرمایه اجتماعی بر کارآمدی سرمایه گذاری شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد. نتایج آنها بیانگر این بود که ارتباطات اجتماعی مدیران شرکت با مدیران شرکت‌های هم‌تاما منجر به کارآمدی سرمایه گذاری پایین تر و ارتباطات اجتماعی مدیران شرکت با مدیران شرکت‌های غیرهم‌تاما منجر به کاهش ناکارآمدی سرمایه گذاری شرکت می‌شوند. به طور کلی نتایج آنها بیانگر تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر تصمیمات سرمایه گذاری شرکت‌ها است.

داوودورج (۲۰۱۹) در پژوهشی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سیاست‌های تقسیم سود در شرکت‌های ایالات متحده آمریکا را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی نشان دهنده یک رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و سود تقسیمی بود و این ارتباط برای شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف بسیار شدیدتر نشان داده شد. علاوه بر این نتایج

نشان دادند که شرکت‌هایی که در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا قرار دارند احتمالاً تقسیم سود سهام خود را زودتر آغاز خواهند کرد.

جین و همکاران^{۳۶} (۲۰۱۹) در پژوهشی با استفاده از نمونه‌ای از بانک‌های دولتی و خصوصی آمریکا به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و استراتژی‌های توسعه‌ای وام‌های بانکی و کیفیت این وام‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این بود که رابطه‌ای منفی بین سرمایه اجتماعی و وام‌های ریسک‌دار وجود دارد. همچنین نتایج آنها بیانگر ارتباط منفی سرمایه اجتماعی و استراتژی توسعه‌ای وام‌های بانکی بود. نتایج آنها حاکی از این بودند که بالا بودن سرمایه اجتماعی منجر به کاهش ضمانت‌های سوخت وام‌های بانکی می‌شود. در نهایت سرمایه اجتماعی بالا منجر به کیفیت بالاتر وام‌ها می‌شود.

هابرستز و همکاران^{۳۷} (۲۰۱۹) به بررسی اثر سرمایه اجتماعی مربوط به شرکت به عنوان محرک رشد شرکت در محیط فعالیت خود با استفاده از پرسشنامه پرداختند. آنها اثر ارتباطات و جغرافیای شرکت را بر رشد شرکت در محل فعالیت خود مورد بررسی قرار دادند و نتایج بیانگر این بود که سرمایه اجتماعی محل فعالیت شرکت اثر مثبتی بر رشد شرکت دارد و این تاثیر برای محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی بالا شدیدتر است. همچنین نتایج نشان دادند که برای سرمایه اجتماعی مرتبط با محصول ارتباط مثبتی بین سرمایه اجتماعی و محل جغرافیایی مشتریان و تامین کنندگان وجود دارد.

هوانگ و شنگ^{۳۸} (۲۰۱۹) در پژوهشی که ارتباط سرمایه اجتماعی را با اهرم مالی و سررسید بدهی‌ها مورد بررسی قرار دادند دریافتند که اهرم مالی شرکت و نسبت بدهی‌های کوتاه‌مدت دارای ارتباطی منفی با سرمایه اجتماعی هستند. آنها نشان دادند که زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی شدید باشد، این رابطه شدیدتر است. آنها بیان کردند که بالا بودن سرمایه اجتماعی منجر به کاهش نیاز شرکت‌ها به قرض گرفتن می‌شود که این موضوع مسایل نمایندگی را برای شرکت‌ها کاهش می‌دهد.

ها (۲۰۱۹) به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارش‌های مالی پرداخت و به این نتیجه رسید که شرکت‌های آمریکایی که اداره مرکزی آنها در نواحی با سرمایه اجتماعی بالا قرار دارند با احتمال کمتری با تقلب ناشی از ارائه اشتباه اطلاعات مالی روبرو می‌شوند. علاوه بر این شرکت‌های در نواحی با سرمایه اجتماعی بالاسطح پایین‌تری از اقلام تعهدی اختیاری را دارند و گزارش‌های سالیانه آنان بسیار خواناتر است.

برزگر و ابراهیمی (۱۳۹۸) در پژوهشی که اثر سرمایه اجتماعی بر اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی در ایران در سالیان اخیر در حال کاهش بوده و همچنین رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی جامعه و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مشاهده نشد. نتایج آنها نشان دادند که سرمایه اجتماعی ارتباط منفی با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات شرکت دارد ولی این ارتباط معنادار نیست و همچنین سرمایه اجتماعی ارتباطی با میزان مالیات پرداختی توسط شرکت ندارد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی از شاخص‌های شناختی و ساختاری به عنوان سرمایه اجتماعی داخل سازمانی استفاده کردند و نتایج آنها نشان داد که سرمایه اجتماعی ناشی از شاخص‌های دینداری، جمع‌گرایی و رابطه با سایر شرکت‌ها اثر منفی و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی می‌گذارد، ولی رابطه معناداری بین شاخص‌های ارزش‌های خانوادگی و رابطه با دولت با حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد.

خیرگو و سهیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی خود برای سازمان‌های دولتی ایران الگویی برای ارتقای سرمایه اجتماعی ارائه دادند. آنها با استفاده از روش پژوهشی کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد و مصاحبه با مدیران دولتی عوامل درون سازمانی نظیر عوامل فردی، ساختاری، مدیریتی، ایمنی و اعتماد، آموزشی، انسجام و همبستگی، و عوامل بیرون سازمانی نظیر عوامل نهادی و دولتی، اطلاعاتی، فناوری، فرهنگی و ایدئولوژیکی، اجتماعی و خانوادگی، و مشارکتی را شناسایی کردند.

کریمی قلعه‌سیدی و صالحی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "اثرات تغییرات اجتماعی بر توسعه حسابداری" چرایی و چگونگی اثر تغییرات اجتماعی و مدنی را بر حرفه و دانش حسابداری مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های مختلف توسعه تمدن مانند تکامل، اشاعه، فرهنگ پذیری، شهری شدن و صنعتی شدن بر توسعه حسابداری تاثیر گذارده و نهایتاً موجب تغییر در نحوه اندازه‌گیری و گزارشگری رویدادهای مالی شده است.

سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) در پژوهشی که متغیر غیرپولی دینداری را بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران مورد بررسی قرار دادند به این نتیجه رسیدند که هنجارهای اجتماعی دینی مکانیزمی برای کاهش تضاد نمایندگی پدید می‌آورد و زمانی که نظارت پایین است می‌تواند به عنوان مکانیزمی برای نظارت بیرونی بر شرکت فراهم می‌کند.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر بر حسب هدف، کاربردی و بر اساس روش جمع‌آوری داده‌ها جزو پژوهش‌های توصیفی همبستگی مبتنی بر رگرسیون چندگانه است. داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها با استفاده از نرم افزار "ره‌آورد نوین ۳" و اطلاعات منتشر شده شرکت در سامانه "کدال" استخراج شده‌اند. همچنین داده‌های مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی جامعه از "سالنامه‌های آماری استان‌های کشور" که توسط "درگاه ملی آمار" منتشر می‌شود استخراج شده‌اند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ (۱۰ سال) تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی پژوهش نیز شامل تمام شرکت‌هایی بوده است که واجد شرایط ارائه شده در جدول ۱ بوده باشند:

جدول ۱. نحوه انتخاب شرکت‌های نمونه بر اساس روش حذفی سیستماتیک

ردیف	شرط	تعداد شرکت‌های باقیمانده
۱	شرکت قبل از پایان سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار حضور داشته باشد (علت محدودیت سه سال قبل از دوره پژوهش، استفاده از داده‌های سه سال قبل برای محاسبه برخی از متغیرهای پژوهش است) و جزو شرکتهای فعال باشد.	۲۵۴
۲	به منظور مقایسه بین شرکت‌ها، سال مالی شرکت مورد بررسی منتهی به اسفندماه بوده و در طول دوره پژوهش تغییر نکرده باشد.	۱۷۶
۳	به دلیل تفاوت در ماهیت فعالیت و ساختار شرکت‌ها، شرکت مورد بررسی جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری و سایر نهادهای پولی نباشد.	۱۴۹
۴	اطلاعات مورد نیاز پژوهش درباره آنها برای دوره مورد بررسی در دسترس باشد.	۱۴۴

با توجه به موارد پیش گفته، نمونه نهایی پژوهش شامل ۱۴۴ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مدل‌ها و متغیرها

به منظور بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی به تبعیت از ها (۲۰۱۹) برای فرضیه ۱ پژوهش از مدل ۱ استفاده می‌شود:

مدل (۱)

$$\begin{aligned} FinclFraud = & \beta_0 + \beta_1 SocialCapital + \beta_2 \ln(MarketValue) \\ & + \beta_3 ReturnOnAssets + \beta_4 DebtToAssets + \beta_5 Audit \\ & + \beta_6 MarketToBook + \beta_7 Loss \\ & + \beta_8 VolatilityOfCashflow + \beta_9 Rural \\ & + \beta_{10} \ln(DistancefromTSE) + \beta_{11} \ln(Population) \\ & + \beta_{12} PopulationDensity + Industry\ Indicators \\ & + Year\ Indicators + \varepsilon \end{aligned}$$

همچنین برای آزمون فرضیه ۲ ابتدا نمونه پژوهش را با استفاده از میانه متغیر DebtToAssest و میانه شاخص حاکمیت شرکتی به دو نمونه جدا تقسیم کرده و به صورت جداگانه آزمون می‌شوند و سپس با استفاده از آزمون مقایسه ضرایب یک مدل در دو نمونه با رویکرد پترنوستر و همکاران^{۳۹} (۱۹۹۸) تاثیر گذاری نظارت خارجی بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی با متغیرهای وابسته از هر دو طریق مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای مقایسه ضرایب سرمایه اجتماعی در دو آزمون از این دو نمونه از فرمول محاسبه نسخه فیشر آماره پترنوستر و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شده است که به صورت زیر است:

رابطه (۱)

$$Paternoster\ F = \left\{ \frac{\beta_j^1 - \beta_j^2}{\sqrt{[Std(\beta_j^1)]^2 + [Std(\beta_j^2)]^2}} \right\}^2$$

که در معادله فوق β_j^1 و β_j^2 ضریب متغیر سرمایه اجتماعی و $Std(\beta_j^1)$ و $Std(\beta_j^2)$ نیز انحراف معیار در نتایج آزمون‌های شرکت‌های نمونه‌های جدا شده هستند. برای محاسبه سطح معناداری نسخه فیشر آماره پترنوستر با توجه به افلاطونی (۱۳۹۷) از دستور `fdist` با درجه آزادی (1, N1+N2-6) در نرم افزار اکسل (که در آن N1 و N2 برابر با تعداد شرکت‌های هر کدام از نمونه‌ها است) بهره گرفته شده است.

متغیر وابسته احتمال تقلب

متغیر وابسته پژوهش، تقلب در گزارشگری مالی است که با استفاده از مدل دستکاری سود بنیش^{۴۰} برای دوره t+1 اندازه‌گیری شده است. بیشتر پژوهش‌های حوزه مالی درباره تقلب در گزارش‌های مالی نشان داده‌اند که نسبت‌های مالی بهترین ابزار برای پیش‌بینی تقلب در گزارشگری مالی هستند (کاناپیکین و گراندین^{۴۱}، ۲۰۱۵). ولی ضرایب این مدل برای محیط مالی ایالات متحده بوده و برای محیط بازار سرمایه ایران به دلیل تفاوت در معیارهای انتخاب شرکت‌های نمونه و قوانین و مقررات در این دو کشور مناسب نمی‌باشد (کردستانی و تاتالی، ۱۳۹۵؛ رضازاده و محمدی، ۱۳۹۸). از این رو در پژوهش حاضر همانند رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) از مدل تعدیل شده بنیش استفاده شده که مناسب محیط ایران است و توسط کردستانی و تاتالی (۱۳۹۵) بومی سازی شده است که معادله آن به صورت زیر است:

رابطه (۲)

$$\begin{aligned} adj_Mscore = & 0.002 + 0.665(TATA) + 0.257(LVGI) \\ & + 0.024(SGAI) - 0.641(DEPI) + 0.19(SGI) \\ & + 0.004(AQI) - 0.032(GMI) + 0.061(DSRI) \end{aligned}$$

که متغیرهای مورد استفاده در این رابطه و نحوه محاسبه آنها در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. تعریف و نحوه محاسبه متغیرهای مربوط به رابطه ۲

متغیر	تعریف	نحوه محاسبه
DSRI	شاخص فروش‌هایی است که در حساب‌های دریافتی هستند که به کمک رابطه ۳ اندازه‌گیری شده است و در آن هستند.	$DSRI = \frac{REC_t / SALES_t}{REC_{t-1} / SALES_{t-1}}$ <p>رابطه (۳) REC: حساب‌های دریافتی SALES: فروش‌های شرکت</p>
GMI	شاخص حاشیه سود ناخالص است که از طریق رابطه ۴ اندازه‌گیری شده است.	$GMI = \frac{[SALES_{t-1} - COG_{t-1}] / SALES_{t-1}}{[SALES_t - COG_t] / SALES_t}$ <p>رابطه (۴) SALES: فروش شرکت COG: بهای تمام شده کالای فروش رفته</p>

متغیر	تعریف	نحوه محاسبه
AQI	شاخص کیفیت دارایی که از طریق رابطه ۵ اندازه گیری شده است	$AQI = \frac{1 - [CA_t + PPE_t]/ASSESTS_t}{1 - [CA_{t-1} + PPE_{t-1}]/ASSESTS_{t-1}}$ <p>رابطه (۵)</p> <p>CA: جمع دارایی های جاری PPE: اموال، ماشین آلات و تجهیزات ASSETS: جمع دارایی هاست.</p>
SGI	شاخص رشد فروش است که با استفاده از رابطه ۶ اندازه گیری شده است.	$SGI = \frac{SALES_t}{SALES_{t-1}}$ <p>رابطه (۶)</p>
DEPI	شاخص هزینه استهلاک که با استفاده از رابطه ۷ اندازه گیری می شود.	$DEPI = \frac{DEP_{t-1}/PPE_{t-1}}{DEP_t/PPE_t}$ <p>رابطه (۷)</p> <p>DEP: هزینه استهلاک دارایی های ثابت مشهود</p>
SGAI	شاخص هزینه های عمومی، اداری و فروش است که از طریق رابطه ۸ اندازه گیری می شود.	$SGAI = \frac{SGA.EXP_t/SALES_t}{SGA.EXP_{t-1}/SALES_{t-1}}$ <p>رابطه (۸)</p> <p>EXP: هزینه های عمومی، اداری و فروش</p>
TATA	شاخص مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی هاست که با استفاده از رابطه ۹ اندازه گیری می شود.	$TATA = \frac{ACC_t}{ASSETS_t}$ <p>رابطه (۹)</p> <p>ACC: ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی)</p>
LVGI	شاخص اهرم مالی است که از طریق رابطه ۱۰ اندازه گیری می شود.	$LVGI = \frac{LTD_t + CL_t/ASSETS_t}{LTD_{t-1} + CL_{t-1}/ASSETS_{t-1}}$ <p>رابطه (۱۰)</p> <p>LTD: جمع بدهی های بلندمدت CL: جمع بدهی های جاری</p>

سپس مطابق با پژوهش رازلی و ارشد^{۴۲} (۲۰۱۴) برای تعیین اینکه کدام یک از سال_ شرکت ها دارای احتمال تقلب در گزارشگری مالی است یا خیر، هریک از سال_ شرکت ها با استفاده از دو قاعده زیر به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. سال_ شرکت‌هایی که adj_Mscore آنها کمتر یا مساوی ۰/۵ باشد، فرض می‌شود که شرکت در صورت‌های مالی دستکاری نکرده است و دچار تقلب مالی نشده است و به آنها صفر اختصاص داده می‌شود.

۲. سال_ شرکت‌هایی که adj_Mscore آنها بیشتر از ۰/۵ باشد، فرض می‌شود که شرکت در صورت‌های مالی دستکاری کرده است و دچار تقلب مالی شده است و به آنها یک اختصاص داده می‌شود.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش که باید تاثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد شاخص سرمایه اجتماعی (Social Capital) است. با توجه به اینکه این متغیر نیاز به انتخاب مولفه‌های بومی دارد و نمی‌توان از مولفه‌های خارجی استفاده کرد، در این پژوهش نیز برای اندازه‌گیری آن در سطح هر سال_ استان همچون شعبانی و همکاران (۱۳۹۲) از ۱۱ مولفه استفاده شده است. مولفه‌های مورد استفاده در این محاسبه عبارتند از: مشارکت اقتصادی، مشارکت در انتخابات، سرقت، خودکشی، تضادف، ازدواج، طلاق، تعداد کانون فکری، تعداد تماشاگران سینما، تعداد حجاج، و تعداد جرایم قضایی. که این مولفه‌ها دربرگیرنده ۴ شاخص اصلی مشارکت، اعتماد، صداقت و امنیت اجتماعی می‌باشند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲) و برای جمع‌آوری این داده‌ها از سالنامه‌های آماری ارائه شده توسط درگاه ملی آمار ایران و پایگاه داده‌های معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری استفاده شده است. همچنین مولفه‌هایی که تاثیری منفی بر سرمایه اجتماعی دارند، با استفاده از عدد منفی آن این تاثیر در نظر گرفته شده است.

سپس برای بدست آمدن شاخص سرمایه اجتماعی همانند بسیاری از مطالعات دیگر همچون داوودورج (۲۰۱۹)، جین و همکاران (۲۰۱۹)، هوانگ و شنگ (۲۰۱۹) از روش تجزیه و تحلیل مولفه اصلی استفاده شده است. روش آماری تجزیه و تحلیل مولفه اصلی عموماً برای بررسی گروهی از متغیرها به صورت همزمان کاربرد دارد. مهم‌ترین کاربردهای این روش آماری تجزیه و تحلیل نماگرهای چندگانه، اندازه‌گیری و شناخت ساختارهای پیچیده، شاخص‌سازی و کاهش ابعاد داده‌ها است.

سایر متغیرها

کیفیت حاکمیت شرکتی: به عنوان متغیر جداکننده نمونه پژوهش برای آزمون‌های مقایسه ضرایب مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مدل پژوهش اعمال نمی‌شود که با توجه به آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۹۷ و پژوهش حساس‌یگانه و سلیمی (۱۳۹۰) و محمدی‌خانقاه و همکاران (۱۳۹۸) بر اساس ۶۹ عامل اندازه‌گیری شده است به گونه‌ای که اگر هر یک از عوامل مصداق داشته باشند کد ۱ و در غیر اینصورت کد صفر به آنها اختصاص یافته است که با جمع کدها کیفیت حاکمیت شرکتی برای هر سال شرکت اندازه‌گیری می‌شود. سپس برای دستیابی به حاکمیت شرکتی ضعیف به سال شرکت‌هایی که کیفیت حاکمیت شرکتی کمتر از میانه باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر در مدل نهایی پژوهش منظور می‌شود. این ۶۹ عامل متشکل از هفت زیرمجموعه شامل هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، کمیته مدیریت ریسک، کمیته جبران خدمات یا حقوق و مزایا، افشا و شفافیت، کنترل‌های داخلی و حقوق سهامداران و مجمع عمومی است.

دیگر متغیرهای پژوهش همانند مک‌گایر و همکاران (۲۰۱۲) و ها (۲۰۱۹) به صورت زیر تعریف می‌شوند:

ارزش بازار $(\ln(\text{Market Value}))$: برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت در آخرین روز سال مالی شرکت.

بازده دارایی‌ها $(\text{Return On Assets})$: برابر است با بازده دارایی‌های شرکت در سال جاری که با تقسیم سود قبل از بهره و مالیات بر ارزش دفتری دارایی‌ها بدست می‌آید.

اهرم (Debt To Assets) : برابر است با نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت. حسابرس (Audit) : اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است.

نسبت بازار به دفتری (Market To Book) : برابر است با نسبت ارزش بازار شرکت بر ارزش دفتری آن.

زیانده بودن (Loss) : اگر شرکت در سال مالی زیانده بوده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است.

نوسانات جریان‌های نقدی $(\text{Volatility Of Cashflow})$: انحراف معیار نوسانات نسبت جریان نقد عملیاتی بر کل دارایی‌ها در ۴ سال اخیر است. برای مواردی که داده‌های

۴ سال پیش موجود نبوده است از داده‌های سه سال قبل استفاده شده است. روستایی بودن (Rural): اگر شرکت در استانی قرار داشته باشد که جمعیت آن پایین تر از میانه جمعیت کشور باشد، برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است. فاصله از سازمان بورس $(\ln(\text{Distance from TSE}))$: لگاریتم طبیعی ۱ به اضافه فاصله شرکت با سازمان بورس اوراق بهادار تهران است که به کیلومتر در نظر گرفته شده است. جمعیت (Population): لگاریتم طبیعی جمعیت استان در سال جاری است که شرکت در آن واقع است. تراکم جمعیت (Population Density): نسبت جمعیت استانی که شرکت در آن واقع است در سال جاری بر مساحت استان بر حسب کیلومتر مربع. کنترل صنعت (Industry Indicators): متغیر کنترل صنعت است که مانند کیان و همکاران (۱۳۹۶) کل شرکت‌های نمونه بر اساس صناعی که فعالیت می‌کنند به ۷ نوع صنعت تفکیک شده‌اند و برای هر شرکت در صنعت مورد نظر ۱ و برای بقیه صنایع صفر در نظر گرفته شده است. کنترل سال (Year Indicators): متغیر کنترل سال است که برای سال مورد نظر برابر با یک و برای سایر سال‌ها صفر در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای سطح شرکتی و استانی

برای بررسی مشخصات عمومی و پایه‌ای متغیرها جهت برآورد مدل، تجزیه و تحلیل دقیق آنها و آشنایی با آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. در جدول ۳ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و ارائه شده است و شامل میانگین، میانه، بیشترین، کمترین و انحراف معیار می‌باشد.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین متغیر وابسته پژوهش که احتمال تقلب است برابر با ۰/۲۲۱۰ بوده که نشان می‌دهد ۲۲/۱۰ درصد از سال شرکت‌های نمونه پژوهش دارای احتمال تقلب بوده‌اند و با توجه به اینکه میانه نیز برابر با ۰/۰۰۰۰ است و میانگین نیز کمتر از ۰/۵ است، نشان می‌دهد که تعداد سال شرکت‌های دارای

احتمال تقلب کمتر از سایرین است. سرمایه اجتماعی که متغیر مستقل پژوهش است، دارای میانگین $1/6083$ - در طول دوره پژوهش است که نشان می دهد سرمایه اجتماعی استان های مربوط به شرکت های انتخاب شده برای نمونه منفی بوده که بیانگر ضعف کلی سرمایه اجتماعی در سطح کشور است. بازده دارایی ها نیز دارای میانگین $0/1078$ بوده که نشان می دهد به طور متوسط شرکت های نمونه دارای بازدهی $10/78$ درصدی نسبت به ارزش دفتری دارایی هایشان هستند و میانه این متغیر برابر با $0/0897$ است که نشان می دهد بیشتر سال شرکت های نمونه پژوهش دارای سودآوری هستند و منفی بودن کمینه این متغیر که برابر با $0/4045$ - است نشان می دهد برخی از شرکت های نمونه زیانده بوده اند. نسبت بدهی به دارایی های شرکت نیز دارای میانگین $0/5931$ است که نشان می دهد بدهی های شرکت های نمونه به طور متوسط $59/31$ درصد از دارایی های آنهاست. متغیر زیان نیز دارای میانگین $11/26$ است که نشان می دهد $11/26$ درصد سال شرکت های پژوهش زیان ده هستند. متغیر روستایی بودن نیز دارای میانگین $0/1857$ است که بیان می کند $18/57$ درصد از شرکت های نمونه پژوهش در مناطق با جمعیت پایین کشور هستند و $0/8143$ شرکت ها نیز در مناطق با جمعیت بالای کشور هستند که نشان از تمرکز اقتصادی کشور در شهرهای بزرگ کشور دارد و این موضوع می تواند به نوبه خود موجب تراکم جمعیتی و عدم توزان در تراکم جمعیت کشور شود. فاصله از سازمان بورس نیز دارای کمینه $0/0000$ است که به دلیل فاصله کمتر از یک کیلومتر برخی از شرکت ها از سازمان بورس بوده است. تراکم جمعیتی نیز دارای میانگین 336 نفر در کیلومتر مربع است و تفاوت زیاد در بین بیشینه و کمینه آن به دلیل این است که برخی از استان های کشور دارای مناطق غیرقابل سکونت و کویری هستند که نسبت جمعیت بر مساحت آن را به شدت کاهش می دهد. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ آمده است.

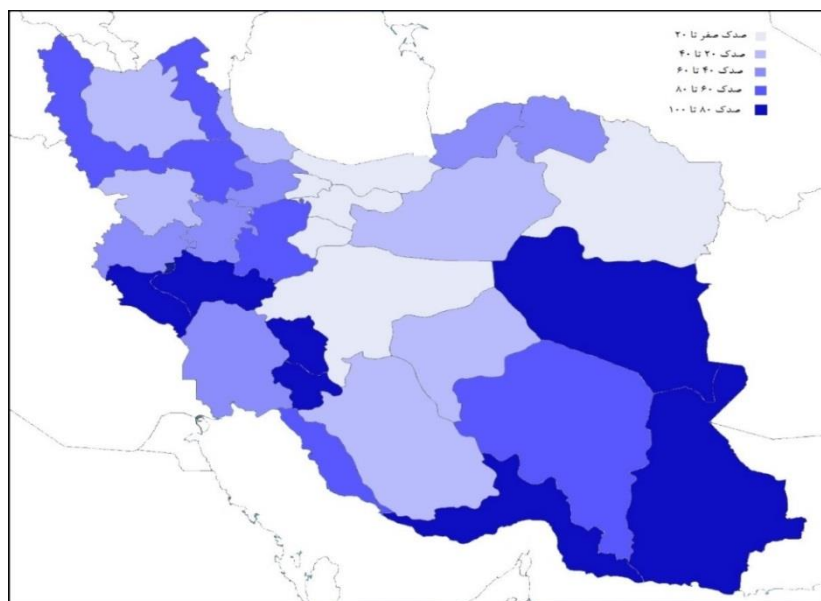
جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
تقلب	۰/۲۲۱۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۵۱
سرمایه اجتماعی	-۱/۶۰۸۳	-۰/۷۴۹۳	۳/۹۱۰۰	-۶/۴۴۷۷	۲/۳۲۶۵
ارزش بازار	۱۲/۱۹۴۴	۱۲/۰۹۸۲	۱۴/۹۰۸۳	۱۰/۳۰۶۵	۰/۷۶۴۴
بازده دارایی‌ها	۰/۱۰۷۸	۰/۰۸۹۷	۰/۶۳۱۳	-۰/۴۰۴۵	۰/۱۲۹۳
نسبت بدهی به دارایی	۰/۵۹۳۱	۰/۶۰۶۶	۱/۹۴۱۰	۰/۰۶۱۱	۰/۲۰۹۴
حسابرس	۰/۲۲۰۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۴۵
ارزش بازار به دفتری	۱/۸۲۳۲	۱/۰۹۶۱	۴۲/۸۹۹۶	۰/۰۳۸۴	۲/۴۱۵۲
زیان	۰/۱۱۲۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۱۶۲
نوسانات جریان نقدی	۰/۵۷۹۰	۰/۳۱۶۶	۲۹/۸۹۸۵	۰/۰۱۶۵	۱/۲۲۱۵
روستایی بودن	۰/۱۸۵۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۸۹۰
فاصله از سازمان بورس	۲/۱۷۸۰	۲/۲۸۵۵	۳/۲۲۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۶۸۵۹
جمعیت	۶/۶۰۱۶	۶/۶۵۷۲	۷/۱۷۰۱	۵/۷۹۵۲	۰/۴۱۸۶
تراکم جمعیت	۳۳۶/۱۲۰۰	۷۹/۹۱۲۶	۹۹۵/۹۱۰۰	۴/۵۳۰۶	۳۹۷/۸۴۷۹

وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

با توجه به اهمیت متغیر سرمایه اجتماعی که متغیر اصلی و مستقل پژوهش محسوب می‌شود به صورت

جداگانه تحلیل آن برای سال ۱۳۹۷ (سال آخر پژوهش) در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲. سطوح مختلف سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های کشور برای سال ۱۳۹۷

همانطور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، سرمایه اجتماعی استان‌های مرکزی ایران نسبت به استان‌های حاشیه‌ای آن دارای سرمایه اجتماعی پایین‌تری است. یا به عبارتی دیگر می‌توان بیان کرد که ارتباطات اجتماعی و هنجارهای اجتماعی در استان‌های مرکزی کم‌رنگ‌تر بوده و بالعکس در اغلب استان‌های غیر مرکزی کشور این موارد بیشتر مورد توجه بوده است. استان‌های دارای جمعیت زیاد و متمرکز دارای سرمایه اجتماعی پایین و سایر استان‌ها دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند. کمترین سطح سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ مربوط به استان تهران است که در سطح صدک صفر تا ۲۰ قرار دارد. به طور کلی نیز اگر به موقعیت سرمایه اجتماعی بر روی نقشه کشور توجه شود، مشاهده می‌شود که اغلب استان‌های کناری نیز دارای سرمایه اجتماعی نزدیک به هم هستند.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول عنوان شد که سرمایه اجتماعی با احتمال تقلب در گزارش‌های مالی رابطه منفی و معناداری دارد. برای انجام آزمون‌های مربوط به این فرضیه از مدل بومی شده برای اندازه‌گیری احتمال تقلب که توسط کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) ارائه شده است، استفاده شده است. با توجه به اینکه متغیر وابسته مربوط به این فرضیه و فرضیه دوم از نوع باینری بوده است باید از روش آماری لاجیت، پرایت و یا گامپیت (ارزش بحرانی) استفاده کرد. در آزمون‌های مربوط به مدل‌های با متغیرهای وابسته دو ارزشی ضرورتی به برقراری فروض کلاسیک وجود ندارد (افلاطونی، ۱۳۹۷)، لذا از آزمون‌های فروض کلاسیک چشم‌پوشی می‌شود و همچنین برای در نظر گرفتن ناهمسانی واریانس در صورت وجود و جهت احتیاط در خصوص قابلیت اتکای نتایج از روش GLM استفاده می‌شود. نتایج آزمون فرضیه اول به صورت جدول ۴ در زیر آمده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	آماره Z	معناداری
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۴۴۷	-۲/۱۹۸۰	۰/۰۲۸۰
ارزش بازار	۰/۱۴۳۷	۱/۹۵۰۱	۰/۰۵۱۲
بازده دارایی‌ها	-۱/۸۱۱۱	-۳/۵۲۹۱	۰/۰۰۰۴
نسبت بدهی به دارایی	-۰/۴۲۳۷	-۱/۷۷۶۰	۰/۰۷۵۷
حسابرس	۰/۰۵۶۲	۰/۵۲۶۲	۰/۵۹۸۷
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۱۶۰	-۰/۵۶۲۹	۰/۵۷۳۵
زیان	-۰/۰۲۲۶	-۰/۱۵۳۰	۰/۸۷۸۴
نوسانات جریان‌ات نقدی	۰/۰۲۱۱	۰/۴۶۹۱	۰/۶۳۹۰
روستایی بودن	۰/۳۱۴۵	۲/۲۷۱۹	۰/۰۲۳۱
فاصله از سازمان بورس	۰/۱۵۲۶	۱/۰۷۸۸	۰/۲۸۰۷
جمعیت	-۰/۵۳۷۲	-۲/۰۵۳۸	۰/۰۴۰۰
تراکم جمعیت	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۷۴	۰/۹۵۴۲
مقدار ثابت	۰/۲۴۴۸	۰/۱۵۳۰	۰/۸۷۸۴
کنترل صنعت	Yes		
کنترل سال	Yes		
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۰۵۵۸		
آماره LR	۷۸/۵۳۰۵		
احتمال آماره LR	۰/۰۰۰۰		

نتایج بدست آمده در جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب سرمایه اجتماعی برابر با $-۰/۱۴۴۷$ بوده که این مقدار معنادار است. با توجه به این موضوع که انحراف معیار متغیر سرمایه اجتماعی در نتایج توصیفی برابر با $۲/۳۲۶۵$ می‌باشد، به اهمیت اقتصادی این نتیجه می‌رسیم که بیانگر این است که افزایش در یک واحد سرمایه اجتماعی در انحراف معیار آن که برابر با $۰/۳۴$ است ($-۰/۱۴۴۷$ - ضریب $۲/۳۲۶۵$) (نگاه کنید به هاردی و بریمن^{۴۳}، ۲۰۰۹) در نتیجه افزایش در سرمایه اجتماعی منجر به کاهش ۶۶ درصدی احتمال تقلب در گزارشگری مالی می‌شود. برای سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود که متغیر ارزش بازار دارای ارتباطی مثبت بوده و در سطح ۹۰ درصد معنادار است. بازده دارایی‌ها نیز با احتمال تقلب دارای ارتباطی منفی است که در این ارتباط در سطح ۹۵ درصد معنادار است. نسبت بدهی بر دارایی‌ها که خود نشانه‌ای برای وجود نظارت خارجی بر شرکت است نشان

می‌دهد که ارتباطی منفی بین این نسبت با احتمال انجام تقلب وجود دارد که در سطح ۹۰ درصد معنادار است و نشان می‌دهد نظارت خارجی احتمال انجام تقلب را کاهش می‌دهد. در متغیرهای سطح استانی نیز نتایج نشان می‌دهد که متغیر روستایی بودن دارای رابطه مثبت و معناداری است که نشان می‌دهد شرکت‌های واقع در استان‌های با جمعیت پایین‌تر از میانه کشور میل کمتری برای انجام تقلب دارند و همچنین ضریب متغیر جمعیت نیز منفی بوده و در سطح ۹۵ درصد معنادار است که نشان دهنده این است که میزان انجام تقلب در شرکت‌های واقع در استان‌های دارای جمعیت پایین کمتر است و بیشتر احتمال تقلب در شرکت‌هایی اتفاق می‌افتد که جمعیت استان‌های محل فعالیت‌شان بیشتر است. همانطور که مشاهده می‌شود آماره LR برابر با $78/5305$ است که در سطح ۹۵ درصد معنادار است که نشان می‌دهد مدل به طور کلی معنادار است. پایین بودن ضریب تعیین مک‌فادن در مطالعات مشابه دیگری نیز مشاهده شده است (ها، ۲۰۱۹) که دلیل آن استفاده از متغیرهای دو وجهی زیاد در مدل و یا می‌تواند به دلیل استفاده از داده‌های یکسان در متغیرهای سرمایه اجتماعی، جمعیت و تراکم جمعیت برای شرکت‌های واقع در یک استان باشد. به طور کلی نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان از نبود شواهدی بر عدم رد فرضیه ۱ دارد که می‌توان عنوان کرد سرمایه اجتماعی بر احتمال انجام تقلب تاثیر گذار بوده و سرمایه اجتماعی بالا این احتمال را کاهش می‌دهد.

برای اطمینان نتایج بدست آمده و اینکه آیا نحوه تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر احتمال تقلب در جوامع با سرمایه اجتماعی بالا با جوامع با سرمایه اجتماعی پایین تفاوت دارد یا خیر، آزمون‌های دیگری نیز انجام شدند. بدین منظور کل نمونه از طریق میانه سرمایه اجتماعی به دو نمونه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین تقسیم شده است. لذا هر نمونه شامل ۷۲۰ سال_شرکت می‌باشد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در همه مکان‌ها (سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پایین) ارتباط بین سرمایه اجتماعی با احتمال تقلب در گزارش‌های مالی همچنان منفی است و این ارتباط در سطح ۹۰ درصد همچنان معنادار است. نتایج مربوطه در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. آزمون فرضیه پژوهش در حالت‌های با سرمایه اجتماعی بالا و پایین

سرمایه اجتماعی پایین		سرمایه اجتماعی بالا		متغیر
معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	
۰/۰۹۸۲	-۰/۵۴۵۴	۰/۰۶۴۲	-۰/۳۸۳۱	سرمایه اجتماعی
۰/۰۱۲۶	۰/۵۳۲۴	۰/۳۲۴۳	-۰/۱۹۲۸	ارزش بازار
۰/۰۰۰۴	-۵/۹۶۱۵	۰/۴۴۶۲	-۰/۹۹۳۰	بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۴۷	-۲/۰۶۲۲	۰/۹۷۷۸	-۰/۰۱۵۶	نسبت بدهی به دارایی
۰/۰۴۳۲	۰/۵۹۱۰	۰/۰۶۳۵	-۰/۵۱۷۰	حسابرس
۰/۰۶۰۲۴	-۰/۰۴۱۶	۰/۵۰۲۷	-۰/۰۷۲۲	ارزش بازار به دفتری
۰/۰۵۴۱	-۰/۸۷۳۵	۰/۱۴۷۱	۰/۴۸۷۴	زیان
۰/۸۷۵۷	-۰/۰۴۱۰	۰/۳۸۳۳	۰/۰۸۲۶	نوسانات جریان نقدی
۰/۱۷۸۰	۱/۴۰۱۵	۰/۱۱۲۵	۰/۵۳۴۱	روستایی بودن
۰/۶۴۷۶	۰/۲۰۰۳	۰/۰۹۲۴	۰/۸۶۸۸	فاصله از سازمان بورس
۰/۰۶۰۴۷	-۰/۰۷۰۷۷	۰/۰۴۱۳	-۱/۳۸۷۷	جمعیت
۰/۴۵۱۸	-۰/۰۰۰۱	۰/۹۹۴۸	۰/۰۰۰۱	تراکم جمعیت
۰/۶۷۷۶	-۳/۶۶۴۴	۰/۱۷۹۱	۵/۶۱۹۳	مقدار ثابت
Yes				کنترل صنعت
Yes				کنترل سال
۰/۱۱۵۷		۰/۰۹۸۷		ضریب تعیین مک‌فادن
۷۲/۳۰۷۰		۷۶/۸۴۳۹		آماره LR
۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		احتمال آماره LR

همچنین برای اینکه اطمینان حاصل شود که ارتباط بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب به صورت اتفاقی و ناشی از ارتباط صرفاً آماری نبوده است، و اینکه در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا، احتمال انجام تقلب کمتر از مناطق با سرمایه اجتماعی پایین است، کل نمونه به دو بخش با سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پایین تقسیم شده و برای متغیرهای شرکتی، برای هر سال - شرکت این بار آزمون‌های مقایسه میانگین به صورت جفت شده انجام شد. نتایج حاصل از آزمون‌های مورد نظر در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون مقایسه میانگین نمونه‌های با سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پایین

متغیر	سرمایه اجتماعی بالا			سرمایه اجتماعی پایین			معناداری	آماره t	میانگین سرمایه اجتماعی پایین بر بالا
	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار			
تقلب	۰/۲۱۲۸	۰/۰۰۰۰	۰/۴۰۹۶	۰/۲۸۱۹	۰/۰۰۰۰	۰/۴۵۰۳	۰/۰۱۶۶	۲/۴۰	۱/۳۲
ارزش بازار	۱۱/۹۸۹	۱۱/۹۲۵	۰/۷۴۵۶	۱۲/۲۹۷	۱۲/۱۹۹	۰/۷۷۱۳	۰/۰۰۰۰	۷/۶۹	۱/۰۳
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۲۰	۰/۰۸۸۹	۰/۱۳۲۷	۰/۰۹۷۵	۰/۰۸۵۲	۰/۱۲۴۲	۰/۰۳۳۷	-۲/۱۳	۰/۸۷
نسبت بدهی به دارایی	۰/۵۹۸۴	۰/۶۰۶۸	۰/۲۱۳۷	۰/۵۹۰۰	۰/۶۰۰۶	۰/۲۰۶۳	۰/۴۵۰۰	-۰/۷۶	۰/۹۹
حسابرس	۰/۲۱۹۴	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۴۲	۰/۲۲۳۶	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۷۰	۰/۸۴۹۱	۰/۱۹	۱/۰۱
ارزش بازار به دفتری	۱/۲۹۵۱	۰/۹۴۶۹	۱/۱۷۱۸	۲/۱۶۷۶	۱/۱۶۵۷	۳/۰۳۱۳	۰/۰۰۰۰	۷/۱۸	۱/۶۷
زیان	۰/۱۰۹۷	۰/۰۰۰۰	۰/۳۱۲۸	۰/۱۲۵۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۳۰۹	۰/۳۶۸۱	۰/۹۰	۱/۱۴
نوسانات جریان‌های نقدی	۰/۵۷۶۵	۰/۲۷۹۰	۱/۴۷۶۸	۰/۵۵۴۳	۰/۳۶۶۸	۰/۶۴۰۰	۰/۷۱۱۴	-۰/۳۷	۰/۹۶

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود میانگین تقلب در شرکت‌های فعال در مکان‌های با سرمایه اجتماعی بالا برابر با ۰/۲۱۲۸ است، در حالیکه میانگین آن برای شرکت‌های فعال در مکان‌های با سرمایه اجتماعی پایین برابر با ۰/۲۸۱۹ است. این نتایج نشان می‌دهند که شرکت‌های فعال در محیط با سرمایه اجتماعی پایین دارای احتمال تقلب بیشتری در گزارش‌های مالی خود هستند. بنابراین تفاوت در میزان تقلب در بین این دو گروه وجود دارد و معناداری این تفاوت نیز که برابر با ۰/۰۱۶۶ است نشان می‌دهد این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار است. متغیر ارزش بازار نیز نشان می‌دهد که به طور متوسط شرکت‌های موجود در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین دارای ارزش بازار بیشتری هستند و این اختلاف بین دو گروه معنادار است. اگر به آمار سرمایه اجتماعی در کشور توجه شود که عموماً استان‌های کلان و مرکزی کشور دارای سرمایه اجتماعی پایین هستند، می‌توان نتیجه گرفت که عموم شرکت‌های بزرگ در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین و پرجمعیت در حال فعالیت هستند. میانگین بازده دارایی‌ها نیز برای شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا برابر با ۰/۱۱۲۰ است، در حالیکه این مقدار برای شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین برابر با ۰/۰۹۷۵ است که اختلاف آنها نیز در سطح ۹۵ درصد معنادار است که نشان می‌دهد شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا سودآوری بیشتری دارند. برای سایر متغیرهای پژوهش نیز مشاهده می‌شود که نسبت بدهی بر دارایی، حسابرس، زیان و نوسانات جریان نقدی دارای تفاوت معناداری در بین دو نمونه نیستند و نسبت ارزش بازار به دفتری نیز دارای اختلاف معناداری در سطح ۹۵ درصد بوده و شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین دارای میانگین بیشتری هستند که نشان می‌دهد دیدگاه سرمایه‌گذاران برای آینده این شرکت‌ها دچار خوش‌بینی بیشتری است و البته می‌توان دلیل دیگری نیز برای آن در نظر گرفت که ممکن است شرکت‌های فعال در مناطق با سرمایه اجتماعی پایین که عموماً در استان‌های کلان کشور واقع هستند دارای عمر بیشتری بوده و اختلاف بین ارزش بازار به دفتری آنها بیشتر شده است که این موضوع می‌تواند به دلیل استفاده از بهای تمام شده برای ثبت دارایی‌های شرکت در ترازنامه باشد. به طور کلی، نتایج جدول ۶ بار دیگر عدم رد فرضیه اول پژوهش را نشان می‌دهد.

آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم عنوان شد که نظارت خارجی ضعیف رابطه بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب در گزارش های مالی را تشدید می کند. برای بررسی این فرضیه کل نمونه پژوهش از طریق میانه به دو گروه تقسیم شد. برای آزمون فرضیه مورد نظر و قابلیت اتکای نتایج، دو حالت برای نظارت خارجی در نظر گرفته شد. در حالت اول، نمونه پژوهش با استفاده از میانه نسبت بدهی بر دارایی ها و در حالت دوم نیز از شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی استفاده شد. نتایج پژوهش در هر کدام از حالت های آزمون شده در جدول ۷ و ۸ آمده است.

جدول ۷. نتایج آزمون تاثیر نسبت بدهی های پایین بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب

نسبت بدهی بالا (نظارت خارجی قوی)			نسبت بدهی پایین (نظارت خارجی ضعیف)			متغیر
معناداری	آماره Z	ضریب	معناداری	آماره Z	ضریب	
۰/۰۷۵۴	-۱/۷۷۸۱	-۰/۱۸۱۴	۰/۰۴۲۸	-۲/۰۲۵۷	-۰/۱۷۰۸	سرمایه اجتماعی
۰/۰۵۸۰	۱/۸۹۵۴	۰/۲۲۷۵	۰/۰۹۲۰	۱/۶۸۵۱	۰/۱۶۳۸	ارزش بازار
۰/۶۹۸۴	-۰/۳۸۷۴	-۰/۳۳۸۵	۰/۰۰۳۶	-۲/۹۰۷۴	-۱/۷۱۸۸	بازده دارایی ها
۰/۳۶۷۴	۰/۹۰۱۴	۰/۴۰۹۵	۰/۱۸۶۱	-۱/۳۲۲۲	-۰/۶۶۴۵	نسبت بدهی به دارایی
۰/۵۴۰۱	۰/۶۱۲۶	۰/۰۸۳۳	۰/۶۷۱۵	۰/۴۲۴۱	۰/۰۶۵۱	حسابرس
۰/۰۷۲۱	-۱/۷۹۹	-۰/۱۰۶۲	۰/۹۶۶۰	-۰/۰۴۲۶	-۰/۰۰۰۹	ارزش بازار به دفتری
۰/۴۷۲۱	۰/۷۱۹۱	۰/۱۳۹۹	۰/۸۲۹۹	۰/۲۱۴۸	۰/۰۶۴۰	زیان
۰/۴۷۲۱	۰/۰۴۷۱	۰/۰۳۳۹	۰/۶۸۹۲	۰/۳۹۹۹	۰/۰۱۳۲	نوسانات جریانان نقدی
۰/۲۴۲۷	۱/۱۶۸۲	۰/۲۴۹۵	۰/۰۹۱۵	-۱/۶۸۷۳	-۰/۳۴۶۶	روستایی بودن
۰/۱۹۴۸	۱/۲۹۶۵	۰/۳۴۳۴	۰/۸۶۱۲	۰/۱۷۴۹	۰/۰۳۴۹	فاصله از سازمان بورس
۰/۲۴۹۹	-۱/۱۵۰۶	-۰/۴۵۴۱	۰/۰۰۲۹	-۲/۹۷۳۹	-۱/۱۳۲۶	جمعیت
۰/۷۸۷۹	-۰/۲۶۹۰	-۰/۰۰۰۲	۰/۷۴۶۵	۰/۳۲۳۳	۰/۰۰۰۲	تراکم جمعیت
۰/۳۸۶۶	-۰/۸۶۵۸	-۲/۰۹۰۳	۰/۰۴۰۸	۲/۰۴۵۲	۴/۷۱۰۰	مقدار ثابت
۰/۹۹۶۹						معناداری اختلاف ضرایب در سرمایه اجتماعی
YES			YES			کنترل صنعت
YES			YES			کنترل سال
۰/۰۹۴۸			۰/۰۶۵۷			ضریب تعیین مک فادن
۶۰/۵۳۴			۴۰/۹۴۱			آماره LR
۰/۰۰۰۲			۰/۰۴۱۷			احتمال آماره LR

همانطور که مشاهده می‌شود نتایج ارائه شده در جدول ۷ نشان می‌دهد متغیر سرمایه اجتماعی در هر دو نمونه با نسبت بدهی بر دارایی پایین و نسبت بدهی بر دارایی بالا که به ترتیب نشان‌دهنده نظارت خارجی ضعیف و قوی بودند، با احتمال انجام تقلب رابطه منفی و معناداری دارد. با مقایسه ضرایب سرمایه اجتماعی در دو نمونه مشاهده می‌شود که اختلاف بین آنها معنادار نیست. لذا فرضیه دوم رد شده و می‌توان عنوان کرد که نظارت خارجی ضعیف یا قوی بر ارتباط سرمایه اجتماعی با احتمال انجام تقلب تاثیری نمی‌گذارد. برای سایر متغیرها در دو نمونه مشاهده می‌شود که ارزش بازار شرکت در هر دو مورد مثبت و معنادار است و در حالت نظارت ضعیف بازده دارایی‌ها ارتباطی منفی و معنادار با احتمال تقلب در گزارش‌های مالی دارد. همچنین در حالت نظارت خارجی ضعیف متغیر روستایی بودن نیز با احتمال تقلب رابطه منفی دارد که این ارتباط در سطح ۹۰ درصد معنادار است. همچنین متغیر جمعیت با احتمال تقلب در گزارش‌های مالی شرکت‌های با نظارت خارجی ضعیف ارتباطی منفی و معنادار دارد و در شرکت‌هایی که نظارت خارجی آنها قوی است، نسبت ارزش به دفتری آنها دارای رابطه منفی است که این ارتباط در سطح ۹۰ درصد معنادار است. نتایج نشان می‌دهد برای هر دو نمونه، مدل به طور کلی دارای معناداری سطح ۹۵ درصد بوده است.

جدول ۸. نتایج آزمون تاثیر حاکمیت شرکتی ضعیف بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی و

احتمال تقلب

حاکمیت شرکتی قوی (نظارت خارجی قوی)			حاکمیت شرکتی ضعیف (نظارت خارجی ضعیف)			متغیر
معناداری	آماره Z	ضریب	معناداری	آماره Z	ضریب	
۰/۰۲۲۴	-۲/۲۸۴۱	-۰/۱۹۸۲	۰/۰۰۵۴	-۲/۷۸۲۵	-۰/۴۸۱۹	سرمایه اجتماعی
۰/۲۹۰۴	۱/۰۵۷۳	۰/۱۱۵۵	۰/۲۹۲۸	۱/۰۵۲۰	۰/۲۲۰۹	ارزش بازار
۰/۰۰۲۷	-۳/۰۰۱۰	-۲/۰۳۹۰	۰/۰۰۰۶	-۳/۴۳۷۸	-۴/۶۴۲۳	بازده دارایی‌ها
۰/۰۱۹۲	-۲/۳۴۲۴	-۰/۱۸۶۰۵	۰/۰۰۴۰	-۲/۸۸۱۷	-۲/۰۳۷۱	نسبت بدهی به دارایی
۰/۲۲۰۷	۱/۲۲۴۷	۰/۱۷۹۹	۰/۰۹۲۷	۱/۶۸۱۴	۰/۴۶۴۵	حسابرس
۰/۵۲۴۶	-۰/۶۳۶۳	-۰/۰۱۶۵	۰/۹۹۸۸	-۰/۰۷۶۷	-۰/۰۰۳۹	ارزش بازار به دفتری
۰/۷۳۳۵	۰/۳۴۰۵	۰/۰۷۳۶	۰/۹۰۸۴	-۰/۱۱۵۱	-۰/۰۴۶۴	زیان

۰/۲۸۸۴	-۱/۰۶۱۷	-۰/۰۹۴۵	۰/۳۱۰۹	-۱/۰۱۳۳	-۰/۱۸۵۴	نوسانات جریانات نقدی
۰/۷۸۲۱	-۰/۲۷۶۶	-۰/۰۵۹۶	۰/۲۳۳۱	-۱/۱۹۲۴	-۰/۵۳۵۷	روستایی بودن
۰/۹۱۷۶	۰/۱۰۳۵	۰/۰۲۲۱	۰/۴۸۷۰	۰/۶۹۵۱	۰/۳۰۴۴	فاصله از سازمان بورس
۰/۳۴۷۶	-۰/۹۳۹۴	-۰/۳۶۸۴	۰/۱۰۷۷	-۱/۶۰۸۶	-۱/۲۴۵۷	جمعیت
۰/۱۸۳۶	-۱/۳۲۹۹	-۰/۰۰۰۷	۰/۳۱۲۴	-۱/۰۱۰۲	-۰/۰۰۱۱	تراکم جمعیت
۰/۷۵۸۸	۰/۳۰۷۰	۰/۷۵۴۷	۰/۴۲۰۴	۰/۸۰۵۷	۳/۷۴۲۳	مقدار ثابت
۰/۱۴۳۲						معناداری اختلاف ضرایب در سرمایه اجتماعی
YES			YES			کنترل صنعت
YES			YES			کنترل سال
۰/۰۷۴۳			۰/۰۸۷۰			سرمایه اجتماعی
۴۸/۲۹۰			۵۵/۹۴۶			آماره LR
۰/۰۰۷۱			۰/۰۰۰۹			احتمال آماره LR

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، ضریب سرمایه اجتماعی در هر دو نمونه با حاکمیت شرکتی ضعیف (نظارت ضعیف) و با حاکمیت شرکتی قوی (نظارت قوی) دارای ارتباطی منفی و معنادار است. با مقایسه ضرایب سرمایه اجتماعی در دو نمونه مشاهده می‌شود که اختلاف بین آنها معنادار نیست. لذا فرضیه دوم در این حالت نیز رد شده و یکبار دیگر نیز می‌توان عنوان کرد که نظارت خارجی ضعیف یا قوی بر ارتباط سرمایه اجتماعی با احتمال انجام تقلب تاثیری نمی‌گذارد. برای سایر متغیرها نیز می‌توان عنوان کرد که ضریب بازده دارایی‌ها در هر دو نمونه منفی و معنادار است. همچنین نسبت بدهی به دارایی‌ها نیز در دو نمونه به همین ترتیب منفی و معنادار است. به طور کلی با توجه به نتایج ارائه شده در جدول‌های ۶ و ۷ می‌توان به این نتیجه رسید که ارتباط سرمایه اجتماعی با احتمال انجام تقلب منفی و معنادار است و در مکان‌های با سرمایه اجتماعی بالا احتمال انجام تقلب پایین‌تر از سایر مناطق است، اما این ارتباط توسط نظارت خارجی بر شرکت تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های بسیاری در حسابداری، اثر متغیرهای پولی بر سایر متغیرهای داخل شرکت مورد بررسی قرار گرفته‌اند و کمتر به متغیرهای غیرپولی همچون فرهنگ، اخلاق، باورها و مذهب پرداخته شده است. در ایران نیز این خلاء مشاهده می‌شود و عموم بررسی‌ها بر متغیرهای داخل شرکتی همچون احتمال تقلب بر متغیرهای پولی و مالی تمرکز داشته‌اند. در این پژوهش اثر متغیر غیرپولی بر یک متغیر داخل شرکتی مورد بررسی قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی متغیری غیرپولی است که نشانگر ویژگی‌های محیطی و ارتباطات اجتماعی افراد یک جامعه است و می‌تواند همکاری بین افراد را گسترش داده و برای آنها منافع و اهداف یکسانی ایجاد کند.

در سوی دیگر، اطلاعات مالی یکی از مهم‌ترین عوامل تصمیم‌گیری برای افراد داخل و خارج شرکتی بوده و کیفیت آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. چنانچه این اطلاعات به درستی تهیه نشوند یا اینکه به دلیل دخالت‌های مدیریت احتمال تقلب در آنها افزایش یابد، قابلیت اتکای به آنها کاهش یافته و اعتماد به آنها به عنوان خروجی‌های حسابداری دشوار خواهد بود و همچنین استفاده از این اطلاعات منجر به اتخاذ تصمیمات اشتباه برای افراد تصمیم‌گیرنده می‌شود.

در این پژوهش فرض شده است که سرمایه اجتماعی محل فعالیت شرکت به داخل شرکت و افراد آن نفوذ می‌کند، زیرا این افراد خود عضوی از این جامعه بوده و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند. برای بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب از شاخص سرمایه اجتماعی برگرفته از ۱۱ مولفه با استفاده از روش تجزیه و تحلیل مولفه اصلی استفاده شد و برای اندازه‌گیری تقلب نیز از شاخص تهیه شده توسط کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) بهره گرفته شد و نتایج بدست آمده نشان دهنده این موضوع بودند که در شرکت‌های فعال در محیط‌های با سرمایه اجتماعی بالا احتمال انجام تقلب پایین‌تر است؛ یا به عبارتی دیگر، در مکان‌هایی که سرمایه اجتماعی بالا است، مدیران میل کمتری به دستکاری اطلاعات مالی و تقلب دارند و برای شرکت‌های فعال در محیط‌های با سرمایه اجتماعی پایین، احتمال انجام تقلب و میل به انجام آن توسط مدیریت بیشتر است. بنابراین با توجه به مباحث تئوریک مطرح شده در بخش مبانی نظری می‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای کاهش مشکلات نمایندگی استفاده کرده و جایگزینی برای نظارت

شرکت باشد. نتایج بدست آمده از طرق مختلفی مورد آزمون مجدد قرار گرفتند و بررسی‌ها در حالت‌های دو نمونه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پایین بار دیگر از عدم رد فرضیه اول و تایید مجدد نتایج قبلی حکایت داشتند. نتایج نشان دادند که سرمایه اجتماعی در تمامی حالات بر احتمال تقلب اثر منفی و معناداری دارد. آزمون‌های مقایسه میانگین نیز حاکی از تایید مجدد نتایج قبلی داشت و اختلاف میانگین تقلب در بین شرکت‌های فعال در محیط‌های با سرمایه اجتماعی بالا و پایین معنادار بوده است که این یافته‌ها با نتایج بدست آمده توسط‌ها (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

یکی از عواملی که می‌توانست بر احتمال تقلب تاثیر بگذارد وجود نظارت خارجی بود. بدین معنی که چنانچه نظارت خارجی ضعیف باشد تاثیر سرمایه اجتماعی باید شدت بیشتری داشته باشد. برای بررسی این موضوع از دو معیار نسبت بدهی بر دارایی‌ها و شاخص حاکمیت شرکتی استفاده شد و در نمونه‌های مختلف نتایج نشان از وجود ارتباط منفی و معنادار سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب داشتند، ولی با آزمون مقایسه ضرایب سرمایه اجتماعی نتایج عدم معناداری اختلاف ضرایب را نشان دادند که نشان می‌دهد نظارت خارجی ضعیف یا قوی نمی‌تواند اثری بر ارتباط سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب داشته باشد. دلیل این موضوع می‌تواند تفاوت در ساختارهای مالکیتی شرکت‌های بورس تهران که عمدتاً سهامداران اصلی آنها سازمان‌های وابسته به دولت یا خود دولت هستند باشد که از این منظر می‌توان تفاوت بین بازار بورس ایران و بازارهای توسعه یافته را مورد توجه قرار داد. از طرفی دیگر حاکمیت شرکتی و قواعد مرتبط با آن در سال‌های قبل از سال ۱۳۹۲ اجباری نبوده و از سال ۱۳۹۲ اجباری شده است.

به طور کلی نتایج بدست آمده می‌تواند بیانگر ارتباط منفی و معنادار سرمایه اجتماعی و احتمال تقلب در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد که بدین معنی است، افزایش و بهبود سرمایه اجتماعی منجر به کاهش احتمال تقلب شده که به نوبه خود می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد.

با توجه به نتایج پژوهش و کم بودن سطح سرمایه اجتماعی در کشور به دولت توصیه می‌شود که بیشتر از پیش به حوزه‌های کاهنده سرمایه اجتماعی مانند نرخ ازدواج، جرایم و تصادفات توجه کند. همچنین به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود به اطلاعات مالی شرکت‌هایی که در مکان‌های با سرمایه اجتماعی پایین فعالیت دارند توجه بیشتری داشته

باشند و در صورت ثابت بودن سایر متغیرها، سرمایه‌گذاری‌های خود را در شرکت‌هایی انجام دهند که در مکان‌های با سرمایه اجتماعی بالا فعالیت دارند. به حساب‌رسان نیز توصیه می‌شود در دوران بررسی‌های خود به شرکت‌هایی که در مکان‌های با سرمایه اجتماعی پایین فعالیت دارند، توجه بیشتری داشته و متغیرهای غیرپولی را نیز مورد توجه قرار دهند. برای پژوهش‌های آتی نیز به پژوهشگران توصیه می‌شود که تاثیر سایر عوامل خارج سازمانی همچون شاخص‌های اقتصادی از جمله تورم و رشد اقتصادی را بر شاخص‌های داخل سازمانی مانند تعلق مورد بررسی قرار دهند. یا می‌توانند تاثیر سرمایه اجتماعی بر سایر متغیرهای درون سازمانی مانند نگهداشت نقدی، مدیریت سود و کیفیت سود را نیز مورد بررسی قرار دهند.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------------|------------------------|
| 1. Healy & Wahlen | 2. Roychowdhury |
| 3. Beatty et al. | 4. Guiso et al. |
| 5. Jha | 6. La Porta et al. |
| 7. Buonanno et al. | 8. Jha & Chen |
| 9. Callen & Fang | 10. Li & Wang |
| 11. Hasan et al. | 12. Kim et al. |
| 13. Jha & Cox | 14. Sen |
| 15. Aristotle | 16. Karlan |
| 17. Wu | 18. Spagnolo |
| 19. Putnam | 20. Walls et al. |
| 21. Melis | 22. Hendry |
| 23. Klijn et al. | 24. Jensen & Meckling |
| 25. Freeman | 26. Hernandez |
| 27. Davis et al. | 28. Davaadorj |
| 29. Easterbrook | 30. Brockman et al. |
| 31. Grullon & Michaely | 32. Dewenter & Warther |
| 33. Lie | 34. Crane et al. |
| 35. Kwon et al. | 36. Jin et al. |
| 37. Habersetzer et al. | 38. Huang & Shang |
| 39. Paternoster et al. | 40. Beneish |
| 41. Kanapickiene & Grundiene | 42. Razali & Arshad |
| 43. Hardy & Bryman | |

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۷). اقتصادسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار EViews، تهران، انتشارات ترمه.
- برزگر، قدرت‌اله و ابراهیمی، جمیل. (۱۳۹۸). رابطه بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ۱۰(۲)، ۱۸۳-۲۲۰.
- حساس‌یگانه، یحیی و محمدجواد سلیمی. (۱۳۸۹). مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۸(۳۰)، ۱-۳۵.
- خیرگو، منصور و سهیلی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). ترسیم الگوی ارتقای سرمایه اجتماعی در سازمان‌های دولتی ایران: پژوهشی کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۵(۲)، ۳۱۵-۳۳۶.
- رضازاده، جواد و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- سیاسی، سحر و حسنی، حسن. (۱۳۹۵). رابطه باورهای دینی مدیران با رفتار مدیریت سود، *فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۱(۲)، ۱۷-۴۰.
- شعبانی، احمد. نخلی، سید رضا و شیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۸(۲)، ۱۲۷-۱۶۱.
- کارشناسان، علی. بهرامی‌نسب، علی و ممشلی، رضا. (۱۳۹۷). تأثیر بحران مالی بر احتمال گزارشگری متقلبان و ارزش سهام، *دانش حسابداری مالی*، ۵(۴)، ۱۴۵-۱۶۸.
- کردستانی، غلامرضا و تاتلی، رشید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۱)، ۷۳-۹۶.
- کریمی قلعه‌سیدی، مریم و صالحی، اله کرم. (۱۳۹۷). اثرات تغییرات اجتماعی بر توسعه حسابداری، *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۱۱(۳۸)، ۷۹-۹۲.
- محمدی خانقاه، گلشن، پیری، پرویز و غلامرضا منصورفر. (۱۳۹۸). مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۴): ۵۹۵-۶۱۴.
- مشایخی، بیتا و سیدی، سید جلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، *دانش حسابداری*، ۶(۲۰)، ۸۳-۱۰۳.

ممشلی، رضا و کارشناسان، علی. (۱۳۹۸). تاثیر کیفیت حسابرسی بر بیش اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه: رویکرد چند بعدی ترکیبی، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۸(۱۵)، ۱۶۹-۲۰۸.

مهربان‌پور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد و رجب‌بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق‌الزحمه حسابرسی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۲۶۹-۲۸۸.

Aflatooni, A. (2018). *Econometrics in Accounting and Finance Using Eviews*, Tehran, *Termehbook* (In Persian).

Aristotle (2004). *The Nicomachean ethics* (Further rev. ed., Penguin classics). London, Eng.; New York, NY: Penguin Books.

Barzegar, G., & Ebrahimi, J. (2019). Relationship between social capital and tax avoidance in companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting knowledge*, 10(2), 183-220 (In Persian).

Beatty, A., Liao, S., & Weber, J. (2010). Financial reporting quality, private information, monitoring, and the lease-versus-buy decision. *The Accounting Review*, 85(4), 1215-1238.

Beneish, M. D. (1999). The detection of earnings manipulation. *Financial Analysts Journal*, 55(5), 24-36.

Brockman, P., Trelis, J., & Unlu, E. (2014). The impact of insider trading laws on dividend payout policy, *Journal of Corporate Finance*, 29, 263-287.

Buonanno, P., Montolio, D., & Vanin, P. (2009). Does social capital reduce crime?. *The journal of law and economics*, 52(1), 145-170.

Callen, J. L., & Fang, X. (2015). Religion and stock price crash risk. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 169-195.

Crane, A. D., Michenaud, S., & Weston, J. P. (2016). The effect of institutional ownership on payout policy: Evidence from index thresholds. *The Review of Financial Studies*, 29(6), 1377-1408.

Davaadorj, Z. (2019). Does social capital affect dividend policy?. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 22, 116-128.

Davis, J. H., Schoorman, F. D., & Donaldson, L. (1997). Toward a stewardship theory of management. *Academy of Management review*, 22(1), 20-47.

Dewenter, K. L., & Warther, V. A. (1998). Dividends, asymmetric information, and agency conflicts: Evidence from a comparison of the dividend policies of Japanese and US firms. *The journal of finance*, 53(3), 879-904.

Easterbrook, F. H., (1984), Two agency-cost explanations of dividends, *The American economic review*, 74(4), 650-659.

- Freeman, R. E. (1984). The stakeholder concept and strategic management. *Strategic management: A stakeholder approach*, 31-49.
- Grullon, G., & Michaely, R. (2007, March). Corporate payout policy and product market competition, In AFA 2008 New Orleans meetings paper.
- Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2004). Does local financial development matter?. *The Quarterly Journal of Economics*, 119(3), 929-969.
- Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2004). The role of social capital in financial development. *American economic review*, 94(3), 526-556.
- Habersetzer, A., Grèzes-Bürcher, S., Boschma, R., & Mayer, H. (2019). Enterprise-related social capital as a driver of firm growth in the periphery?. *Journal of rural studies*, 65, 143-151.
- Hardy, M. A., & Bryman, A. (Eds.). (2009). *Handbook of data analysis*. Sage.
- Hasan, I., Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2017). Social capital and debt contracting: Evidence from bank loans and public bonds. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(3), 1017-1047.
- Hassas Yeganeh, Y., & Salimi, M. (2011). Developing a Model for Corporate Governance Rating in Iran. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 8(30), 1-35 (In Persian).
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13(4), 365-383.
- Hendry, J. (2001). Missing the target: Normative stakeholder theory and the corporate governance debate. *Business Ethics Quarterly*, 159-176.
- Hernandez, M. (2012). Toward an understanding of the psychology of stewardship. *Academy of Management Review*, 37(2), 172-193.
- Huang, K., & Shang, C. (2019). Leverage, debt maturity, and social capital. *Journal of Corporate Finance*, 54, 26-46.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of financial economics*, 3(4), 305-360.
- Jha, A. (2019). Financial reports and social capital. *Journal of Business Ethics*, 155(2), 567-596.
- Jha, A., & Chen, Y. (2015). Audit fees and social capital. *The Accounting Review*, 90(2), 611-639.
- Jha, A., & Cox, J. (2015). Corporate social responsibility and social capital. *Journal of Banking & Finance*, 60, 252-270.

- Jin, J. Y., Kanagaretnam, K., Liu, Y., & Liu, N. (2019). Banks' loan growth, loan quality, and social capital. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 21, 83-102.
- Kanapickienė, R., & Grundienė, Ž. (2015). The model of fraud detection in financial statements by means of financial ratios. *Procedia: social and behavioral sciences*, 321-327.
- Karami Ghale Seyedi, M., & Salehi, A. (2018). The effects of social change on accounting development. *Management Accounting*, 11(38), 79-92 (In Persian).
- Karlan, D. S. (2005). Using experimental economics to measure social capital and predict financial decisions. *American Economic Review*, 95(5), 1688-1699.
- Karshenaan, A., bahraminasab, A., & mamashli, R. (2019). The Effect of Financial Crisis on The probability of Fraudulent Reporting and Stocks Value. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 5(4), 145-168 (In Persian).
- Kheirgoo, M., Soheili, H. (2018). Drawing the Pattern of Social Capital Promotion in Iranian Public Organizations: Qualitative Research based on Grounded Theory. *Social Capital Management*, 5(2), 315-336 (In Persian).
- Kim, Y., Park, M. S., & Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility?. *The accounting review*, 87(3), 761-796.
- Klijn, E., Reuer, J. J., Van den Bosch, F. A., & Volberda, H. W. (2013). Performance implications of IJV boards: A contingency perspective. *Journal of Management Studies*, 50(7), 1245-1266.
- Kordestani, G., & Tatli, R. (2016). The Prediction of Earnings Manipulation: Development of a Model. *Accounting and Auditing Review*, 23(1), 73-96 (In Persian).
- Kwon, C., Zhang, G., & Zhou, H. (2020). Monetary policy, social capital, and corporate investment. *Journal of Economics and Finance*, 44(1), 1-34.
- La Porta, R. (1997). lopez-de-silanes, F., shleifer, a., & vishny, RW (1997). trust in large organizations. *American Economic Review*, 87(2), 333.
- Li, X., & Wang, X. (2015). Social capital and stock price crash risk: Evidence from China. In *Financial Management Association Annual Meetings*.
- Lie, E., (2000), Excess funds and agency problems: an empirical study of incremental cash disbursements, *The Review of Financial Studies*, 13(1), 219-248.
- Mamashli, R., & Karshenasan, A. (2020). The Effect of Audit Quality

- on Managerial Over Confidence and the possibility of Fraudulent Reporting: Multi-Dimensional (Hybrid) Approach. *Applied Research in Financial Reporting*, 8(2), 169-208 (In Persian).
- Mashaykhi, B., & Seyyedi, S. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance. *Journal of Knowledge Accounting*, 6(20), 83-103 (In Persian).
- McGuire, S. T., Omer, T. C., & Wang, D. (2012). Tax avoidance: Does tax-specific industry expertise make a difference?. *The Accounting Review*, 87(3), 975-1003.
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Ghomi, M., & Rajabbeyki, M. (2018). Social Capital and Audit Fees. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 269-288 (In Persian).
- Melis, D. A. (2014). The institutional investor stewardship myth: A theoretical, legal and empirical analysis of prescribed institutional investor stewardship in a Dutch context. *Legal and Empirical Analysis of Prescribed Institutional Investor Stewardship in a Dutch Context (June 4, 2014)*.
- Mohammadikhanghah, G., Piry, P., & Mansourfar, Gh. (2019). Real Earnings Management, Corporate Governance Quality and Credit Rating. *Accounting and Auditing Review*, 26(4), 595-614 (In Persian).
- Paternoster, R., Brame, R., Mazerolle, P., & Piquero, A. (1998). Using the correct statistical test for the equality of regression coefficients. *Criminology*, 36(4), 859-866.
- Putnam, R. (2001). Social capital: Measurement and consequences. *Canadian journal of policy research*, 2(1), 41-51.
- Razali, W. A. A. W. M., & Arshad, R. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 243-253.
- Rezazadeh, J., Mohammadi, A. (2019). Managerial ability, Political Connections and Fraudulent Financial Reporting. *Accounting and Auditing Review*, 26(2), 217-238 (In Persian).
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and economics*, 42(3), 335-370.
- Rupasingha, A., & Goetz, S. J. (2008). US county-level social capital data, 1990-2005. The northeast regional center for rural development, Penn State University, University Park, PA.
- Sen, A. (1987). On ethics and economics (The Royer lectures). Oxford: B. Blackwell.
- Sepasi S, & Hassani H. (2017). Relationship Managers' Religiosity with Earnings Management Behavior. *Valued and Behavioral Accountings Achievements*, 1 (2), 17-40 (In Persian).

-
- Shabani, A., Nakhli, S. R., & Sheykhani, M. (2013). The Effect of Social Capital on Human Development, *The Journal of Planning and Budgeting*, 18(2), 127-161 (In Persian).
- Spagnolo, G. (1999). Social relations and cooperation in organizations. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 38(1), 1-25.
- Walls, J. L., Berrone, P., & Phan, P. H. (2012). Corporate governance and environmental performance: Is there really a link?. *Strategic Management Journal*, 33(8), 885-913.
- Wu, W. P. (2008). Dimensions of social capital and firm competitiveness improvement: The mediating role of information sharing. *Journal of management studies*, 45(1), 122-146.